



یادیاران قدیم نرود از دل تنگ

میر عبد الواهد سادات

امروز هفدهم مارچ سالروز وفات زنده یاد جنرال نبی شاغاسی - بارکزی می باشد ،
نبی جان عزیزالقدر همه ما شانزده سال قبل در بعد از ظهر همین روز « نابه هنگام » و
بسیار به آسانی جهان فانی را وداع و به ابدیت پیوست و فامیل ، اقارب و دوستان را
داغدار ساخت .

روزگار چه بوالعجبی هایی در آستین دارد و سرنوشت نا معلوم چه بازیهای با انسان انجام
میدهد :

سرباز دلیروطن که سالها بخاطروطن در میدان جنگ حضور داشت و روزمره
بامخاطرات مواجه بود و بحیث افسر دلیر، قوماندان با تدبیر و جنرال ارکانحرب در
دشوار ترین شرایط ازوطن پاسداری کرد ، از باستیل حفیظ اله امین جان سالم بدر برد و
در انجام وظیفه مصدوم گردید ، سر انجام در غربتکده دنمارک و در موجودیت

امکانات طبی، سینه او که مالمال از عشق بمردم بود و عالمی از گفته ها را با خود داشت
به نیمی نفسی تنگی کرد و به زندگی مرد بزرگ پایان داد :
ندانم سر انجام و فرجام چیست
بدین رفتن اکنون نباید گریست
اما واقعیت دیگر زندگی ابنای بشر که ما در تجربه زندگی خود شاهد آن می باشیم این
است که:

زنده جاوید گشت هر که نیکو نام زیست

کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را

صداقت جوهر فنا نا پذیر در کارنامه کسانی است که بنام جاودان وطن و بخاطر مردم
صادقانه گام بر میدارند و بر مبنای ندایی وجدان ، با خلوص نیت بخاطر آرمان بزرگ
خدمت به انسان و میهن ، مصدر خدمت می شوند و حقا که جنرال با وقار افغانستان که
از تبار خرد و انسانیت بود و مسوولانه بسر نوشت مردم می اندیشید ، بر مبنای حب
الوطن من الایمان در صف پیشروان روزگار خود ، کارنامه درخشان از خود بجا گذاشت
که مایه مباهات برای فامیل ، دوستان و همزمان شان می باشد .
با گذشت بیشتر از یکدهه ونیم از آن روز غم انگیز ، درین صبحگاهان سالروز وفات ،
خاطرات جانکاه از دست دادن رفیق مشفق ، همچو خواب هولناک در ذهنم تداعی میآید
و با تحریر این سطور ، گویی غم خود را با کاغذ شریک می سازم و در برابر روح بزرگ
یار قدیم و کریم وبا شرف که تجسم از محبت ، صفا ، وفا و بهترین فضایل عالی انسانی
بود سر تعظیم فرو می آورم و روحش را جاوید ونام بزرگش را گرامی میدارم و در
گرامیداشت خاطرات او با فامیل گرانقدر شان و دوستان شریک می شوم .